

بررسی و تبیین مبانی دینی جایگاه و نقش زنان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محسن اخباری^۱

منصوره زارعان^۲

چکیده:

از آنجاکه سطح توسعه کشورها، تابعی از شاخص‌های کیفیت گروه‌های گوناگون جمعیتی است، بی‌تردید توسعه متعادل و پایدار بدون مشارکت زنان که نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند، امکان‌پذیر نیست. زن در جایگاه انسان، محور توسعه و از ارکان اساسی آن است و توسعه ایدئال، توسعه‌ای است که موقعیت انسانی و طبیعی زن را لحاظ کرده و تفاوت‌های او را با مرد نادیده نگیرد و نقش‌های متناسب با ویژگی‌های او را در نظر بگیرد؛ اما در حال حاضر، جایگاه و نقش کنونی زنان نسبت به وضعیت مطلوب و آرمانی مورد تأکید در فرهنگ دینی فاصله بسیار دارد. از جمله راهکارها در جهت تغییر این شرایط، نظریه‌پردازی در خصوص مشارکت زنان در عرصه پیشرفت و توجه به ظرفیت آن‌ها در سیاست‌گذاری‌های کلانی همچون سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. الگویی که برخلاف نمونه‌های غربی آن، نباید صرفاً به ابعاد مادی پیشرفت نگاه کند، بلکه ضروری است تا همه ابعاد وجودی زن مسلمان و نقش‌های عام و خاص او در فرایند پیشرفت را مدنظر قرار دهد. در این مقاله، تلاش شده تا با تبیین مبانی دینی جایگاه جنسیتی زن، زمینه توجه به جایگاه و نقش زنان در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت فراهم گردد و از این طریق، زمینه طرح شاخص‌ها و معیارهای صحیح و منطبق با مبانی دینی و فرهنگی برای سیاست‌گذاری‌های کلان در برنامه‌های کشور ایجاد شود. در این تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق اسناد کتابخانه‌ای از روش تحلیل کیفی و عقلی جهت تحلیل و تبیین داده‌های مستخرج از منابع دینی استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: توسعه، پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقش جنسیتی، همسری،

مادری، خانه‌داری.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mohsenakhbary@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (ع.ج)، تهران، ایران.

m.zareazn@alzahra.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

مقدمه

توسعه مفهومی عام و فراگیر است که دستاوردهای مهم بشر به ویژه دستاوردهای دوران مدرنیته همچون علم و فناوری، دموکراسی و نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های اجتماعی مختلف را دربر می‌گیرد و به دنبال آن است که زندگی و حیاتی بهتر و جهانی پیشرفته‌تر را برای بشر ایجاد نماید؛ اما علی‌رغم گذشت چندین دهه از طرح و اجرای راهبردهای مختلف توسعه از سوی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف جهان و کسب موفقیت‌های بزرگ برای بشریت، توسعه هنوز نتوانسته به تمامی اهداف خود دست یافته و همه افراد بشر از جمله زنان را که نیمی از بشریت محسوب می‌شوند، به نحو مناسبی از ثمرات خود بهره‌مند نماید؛ چراکه برنامه‌های توسعه به زنان و ملاحظات جنسیتی توجه ننموده و از جانب‌داری جنس‌گرایانه توسط فن‌سالاری تحت سلطه مردان (به‌ویژه در جهان سوم) رهایی نیافته است. (کولایی و حافظیان ۱۳۸۵، ۳۳) به همین دلیل، اجرای این برنامه‌ها نه تنها به ارتقای جایگاه زنان کمکی نکرده، بلکه با نادیده گرفتن نیازها و مطالبات آنان، به افزایش نابرابری‌ها، فقر و تبعیض درباره زنان انجامیده است. (بهرامی تاش ۱۳۸۹، ۵۵) به همین دلیل، جنبش‌های مدافع حقوق زنان و جنبش‌های فمینیستی بر آن شدند تا با طرح نظریات مختلف و نیز اقدامات سیاسی و اجتماعی، به افزایش مشارکت زنان در برنامه‌های اقتصادی بین‌المللی پرداخته و از این طریق به ارتقاء جایگاه زنان در سراسر جهان نائل شوند؛ مسئله‌ای که از سوی نهادهای حقوق بشری همچون سازمان ملل نیز پذیرفته شد و با برگزاری اجلاس‌های جهانی مختلف و طرح کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، به دفاع از این اقدامات و عملی نمودن آن پرداخت؛ اما مسئله مهم در طرح این نظریات و تصویب معاهدات این است که هریک بر اساس مبانی فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیکی و جهان‌بینی خاص دنیای غرب همچون سکولاریسم، لیبرالیسم و آرمان‌های آن همچون برابری‌طلبی و آزادی‌خواهی طرح شده و با رویکردی تک‌بعدی و نه همه‌جانبه به مسائل زنان نگرسته‌اند. به همین دلیل، ضروری است که در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان پیشرفت کشور و در جهت ارتقاء جایگاه زنان و پاسخگویی به مطالبات و خواسته‌های آنان، به مبانی فرهنگی، دینی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران توجه خاص نمود؛ مبانی‌ای که انقلاب اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته و آن را در تقابل با نظام‌های توسعه غربی قرار می‌دهد و با رویکردی کل‌نگرانه و با نگرشی الهی و دینی، توأمان به پیشرفت مادی و معنوی انسان می‌نگرد. با توجه به این رویکرد، ضروری است در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به‌عنوان سند بالادستی جمهوری اسلامی ایران که با نظر داشت مبانی دینی، فکری و فرهنگی کشور و با دو قید اسلامی و ایرانی در حال طراحی و نظریه‌پردازی است، به

مسائل مرتبط با زنان و جایگاه آنان در عرصه پیشرفت نگر است. نکته قابل تأمل در الگوی پایه ارائه شده این سند آن است که تنها در بند ۴۱ تدابیر با نگاهی حداقلی به «اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری» اشاره می‌کند؛ در حالی که در سرتاسر این الگو از زنان و نقش آن‌ها در پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی نشانی نیست!

همچنین از سوی دیگر، نبود الگوی مشخص معیار و جامع برای وضع قوانین و برنامه‌های کلان پیشرفت کشور که مسئله جنسیت در آن لحاظ شده باشد، همچون برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور، منجر به اتخاذ و پیروی از رویکردهای گوناگون از سوی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی نسبت به وضعیت و جایگاه زنان شده است، مسئله‌ای که حتی به تداوم برنامه‌های اقتصادی برای ارتقاء جایگاه زنان در پیشرفت کشور نیز خلل و آسیب وارد نموده است.

بنابراین نظریه‌پردازی و تولید اندیشه بومی در باب سیاست‌گذاری‌ها و اسناد کلان توسعه کشور همچون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با رویکرد جنسیتی بر اساس مبانی و ارزش‌های اساسی دینی و فرهنگی، مسئله اصلی این مقاله است. این هدف با تمرکز بر ارائه و معرفی مهم‌ترین مبانی و شاخص‌های جنسیتی از منظر اسلام در عرصه پیشرفت همه‌جانبه، دنبال می‌شود تا زمینه اتخاذ رویکرد درست، در سیاست‌گذاری‌ها و اهداف کلان سند مذکور را فراهم نماید.

(۱) ضرورت تحقیق

ضرورت این پژوهش بیشتر از آن‌رو است که نظام جمهوری اسلامی ایران که مبنای حرکت و پیشرفت خود را اصول و مبانی ایدئولوژیک دین مبین اسلام قرار داده است، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان خود را با محوریت این تعالیم انجام داده و خود را از الگوهای توسعه غربی متمایز نموده است. از این منظر و با نظر داشت این مبانی، جمهوری اسلامی ایران به شأن و جایگاه و مطالبات زنان به‌عنوان عضوی از جامعه اسلامی در تمامی عرصه‌ها توجه نموده است. این رویکرد اسلام در مورد جایگاه زنان، به‌صورت نظریه و نظام فکری متمایز قابل تبیین بوده و در عرصه‌های گوناگون که نیازمند توجه به جایگاه زنان و حضور آنان است، تأثیرگذار است. از جمله این ساحت‌ها، حضور و مشارکت زنان در امر پیشرفت و توسعه کشور است که با توجه به این مبانی دینی، باید معیارها و مبانی‌ای خاص و متمایز از الگوهای توسعه غربی را برای طراحی مهم‌ترین سند کلان پیشرفت کشور یعنی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تبیین و ارائه نمود.

بر این اساس، در این نوشتار با استفاده از روش مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای در مرحله گردآوری اطلاعات و شیوه تحلیلی-انتقادی در مرحله داوری به توصیف، تحلیل، ارائه مبانی

اسلامی و مقایسه آن‌ها با نگرش غربی در فرایند توسعه و پیشرفت پرداخته می‌شود.

(۲) پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع این تحقیق، طبق جستجوهای انجام شده، تاکنون تحقیقی که به صورت مستقیم به موضوع این مقاله پرداخته باشد، انجام نشده است، همچنین تحقیقات و مقالات و یا کتاب‌هایی که در زمینه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت انجام شده‌اند نیز به بحث جنسیت و توسعه و رابطه آن با الگو پرداخته‌اند؛ لذا این موضوع از پیشینه تحقیقاتی‌ای که به صورت مستقیم به آن پرداخته باشد برخوردار نیست؛ اما مقالات و کتاب‌هایی به بحث جنسیت و توسعه به صورت کلی پرداخته‌اند و یا مباحث و موضوعات مرتبط با آن را به صورت تحقیقات میدانی بررسی نموده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

کولایی، الهه، محمدحسین، حافظیان، نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

خانی، فضیله، جنسیت و توسعه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵.

صالحی امیری، رضا، زنان و توسعه، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸.

نوسباوم، مارتا، زنان و توسعه انسانی؛ رهیافت توانمندی‌ها، کمبریج، ۲۰۰۰.

لیس تورس، آماری، دل روزاریو، روزاریو، جنسیت و توسعه، مترجم: جواد یوسفیان، تهران: بانو، ۱۳۷۵.

(۳) مفهوم‌شناسی

توسعه: توسعه به معنای بهبودی در مجموعه شرایط به هم پیوسته طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و توسعه‌گرایی، اعتقاد به کارایی و مطلوبیت این نوع پیشرفت اقتصادی است. از این لحاظ، توسعه در معنای حداکثری خود به معنای استفاده از منابع تولید جامعه جهت بهبود شرایط زندگی فقیرترین افراد و در معنای حداقلی، به معنای سهم بیشتر از همه امکانات جامعه برای تمامی افراد در چارچوب بیشترین سهم برای عده اندک است. (پیت و هارت ویک ۱۳۸۹، ۱۵)

پیشرفت: برخی میان توسعه و مفهوم پیشرفت تفاوت گذارده‌اند. از این منظر، پیشرفت، فرآیندی افزاینده و رو به گسترش است که آخرین مرحله آن همواره مطلوب‌ترین و بهترین حالت محسوب می‌شود. (DeBenoist 2008, 8)

الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سندی بیانگر کلان‌نظریه‌ای برآمده از نظریه‌های خرد و کلان درباره دین، هستی، انسان، جامعه، طبیعت، تاریخ، تمدن، پیشرفت در فرهنگ و سبک زندگی اسلامی ایرانی مبتنی بر آموزه‌های مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) است. این سند بهره‌مند از یافته‌های علوم جدید، برنامه‌پذیر، مورد وفاق نسبی نخبگان و قابل اجرا در ایران در جهت تحقق آرمان‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۴) جایگاه مطلوب زنان در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

پیشرفت هر کشور به مشارکت همه عوامل آن به‌ویژه ظرفیت‌های انسانی بستگی دارد. همچنین نتایج تحقیقات گوناگون نشان داده است که سطح توسعه کشورها، تابعی از شاخص‌های کیفیت گروه‌های گوناگون جمعیتی است. از این منظر، در ادبیات توسعه با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند، تأکید می‌شود که توسعه متعادل و پایدار بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، توسعه و پیشرفت باید امکانات لازم را برای تمامی اقشار جامعه و از جمله زنان فراهم کند، در غیر این صورت، فراهم نبودن بستر مناسب برای مشارکت زنان، موجب محروم ماندن کشور از پیشرفت خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که دستیابی به توسعه انسانی و توسعه جنسیتی در هر جامعه‌ای، لازم و ملزوم یکدیگرند، به گونه‌ای که بدون جبران عقب‌ماندگی‌های تحمیل‌شده بر زنان در جامعه، نمی‌توان به پیشرفت به معنای واقعی آن دست یافت؛ (خانی ۱۳۸۵، ۳۹) چراکه زن در جایگاه انسان، محور پیشرفت و از ارکان اساسی آن است و پیشرفت ایدئال، توسعه‌ای است که موقعیت انسانی و طبیعی زن را لحاظ کرده و تفاوت‌های او را با مرد نادیده نگیرد و نقش‌های متناسب با ویژگی‌های او را در نظر بگیرد. نقش زن در فراهم آوردن محیط سالم خانوادگی، فراهم آوردن فضای سالم برای تربیت نسل فعال و کارآمد و حضور فعال و تأثیرگذار در عرصه سرنوشت اجتماعی، از نقش‌های مهم زنان در پیشرفت اسلامی است.

از این رو، از جمله راهکارها در جهت سیاست‌گذاری‌های کلان جمهوری اسلامی و تحقق اهداف آن مبنی بر نظریه‌پردازی در خصوص حضور و مشارکت زنان جامعه اسلامی در عرصه پیشرفت کشور، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی به‌عنوان سند جامع پیشرفت کشور است. در طراحی این الگو ضروری است به زنان و مسائل مربوط به آنان در عرصه‌های گوناگون توسعه توجه شده و با توجه به مبانی دینی و فرهنگی و در حقیقت دو قید اسلامی و ایرانی مدنظر الگو، نظریه‌پردازی شود؛ چراکه جایگاه زنان نسبت به آنچه از حیث فرهنگی و دینی شایسته و بایسته است تا به آن سطح ارتقا و تعالی یافته و جایگاه خود را

در ادبیات توسعه با رویکرد اسلامی به دست آورند، فاصله بسیار دارد. بی تردید، نظریه پردازی جنسیتی در قالب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید با رویکردی تمدن گرا صورت گیرد؛ چراکه رویکرد تمدن گرا، تحقق دین در سبک زندگی زنان مسلمان را در گرو داشتن مدل های مطلوب مدیریت و برنامه ریزی اجتماعی و طراحی روشن برای پیشرفت همه جانبه جامعه زنان بر بنیادهای ارزشی و فرهنگی اسلام و در راستای اهداف و مقاصد عالیه شرع و عقل می داند. (سبحانی ۱۳۸۲، ۵) حامیان این رویکرد، هم زمان خواهان کارآمدی دین و نقش توسعه ای آن در حوزه زنان هستند؛ اما بر این عقیده اند که کارآمدی و توسعه باید در راستای اهداف و ارزش های اصولی اسلام تعریف شود. این دیدگاه به جای توسعه صرفاً ظاهری و مادی، به دنبال تحقق پیشرفت همه جانبه زنان بر بنیاد حقایق و ارزش های متعالی دینی است. (همان، ۹۱) برنامه ای که صرفاً به ابعاد مادی پیشرفت نگاه نکرده بلکه تمام وجود انسانی و معنوی زن مسلمان^۱ و کرامت انسانی^۲ و نقش های خاص او در جامعه و خانواده را مدنظر قرار می دهد و به دنبال تحقق انسان کامل و سبک زندگی اسلامی و پرورش استعدادها در راه کمال و سعادت^۳ برای اوست؛ مسئله مهمی که الگوهای توسعه غربی بدان توجهی نداشته و به همین دلیل نه تنها زنان بهره واقعی و مناسبی از این برنامه ها نبردند؛ بلکه حتی به آنان به عنوان نیروی کار مطلوب و کارگران مطیع با درآمد پایین در بسیاری از فرصت های شغلی نگاه شده و آنان را با مشکلات مختلفی روبه رو نموده، به گونه ای که نابرابری و وابستگی آنان تداوم یافت. (هانت ۱۳۸۸، ۲۳۸)

با توجه به این مباحث، بحث و نظریه پردازی مبنایی در خصوص حضور و مشارکت زنان در عرصه های مختلف پیشرفت کشور با بررسی و واکاوی مبانی و پیش فرض های اسلامی و ارائه این اندیشه متعالی در قالب ساختاری نظری و قابل گفتگو در مباحث علمی پذیرفته شده همچون نظریه جنسیت و توسعه، اما بومی شده به شکل اسلامی - ایرانی، امری مهم و ضروری محسوب می شود. این نگرش مبتنی بر مبانی و پیش فرض هایی است که در ذیل به آن ها اشاره می شود.

۵) مبانی و پیش فرض ها

برای دستیابی به الگوی جامع برای حضور زن مسلمان در عرصه پیشرفت، لازم است اصول و مبانی اسلامی در تبیین جایگاه و هویت واقعی زن در مقایسه با مبانی غربی بیان

۱. «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي»، حجر، ۲.

۲. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَخَلَقْنَاكُمْ فِي الرِّبِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاكُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، اسراء، ۷۰.

۳. «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ»، مانند، ۴.

شود؛ چراکه در این مقایسه، بهتر می‌توان با جلوه‌های ویژه شخصیت اسلامی زن آشنا شد و راه خود را از انگاره غریبان جدا ساخت.

الف) نگرش نظام‌مند به دین

با نگاهی جامع و نظام‌مند به دین مبین اسلام می‌توان دریافت که مؤلفه‌های بنیادین این نظام علی‌رغم تعدد اجزاء، در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر بوده و نظامی یک‌پارچه را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بشر ارائه می‌دهند. اساساً هماهنگی و انسجام درونی عناصر تنها در سایه هدف و غایت مشخص قابل تبیین است. به همین دلیل، برای طرح و نظریه‌پردازی در خصوص مسائلی همچون الگوی جامع حضور زن مسلمان در عرصه پیشرفت، باید به نظام جامع و اصول و مبانی اسلام با رویکردی ارتباطی و شبکه‌ای نظر داشت و آن را تحلیل نمود تا جایگاه و هویت واقعی زن با توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌های فردی، اجتماعی و خانوادگی مشخص و تمایز آن با الگوهای غربی تبیین شود.

ب) برابری انسانی زن و مرد

اگرچه شریعت اسلام تفاوت‌هایی برای حقوق، تکالیف و نقش‌های زنان و مردان قائل شده؛ اما در اسلام، زن و مرد از هویت و جوهره انسانی واحدی برخوردارند و خلقت ذاتی زنان همچون مردان، طهارت و پاکی است.

تعالیم اسلامی احیاگر حقوق زن است و دستیابی به ارزش‌های معنوی و کمال را برای زن و مرد امکان‌پذیر ساخته است. قرآن کریم نیز در عصر نزولش، با خطاب قرار دادن روح انسان‌ها گام‌های بلند و اساسی را به سود زن و حقوق او برداشت. این کتاب آسمانی، بیشتر بر بُعد انسانی تکیه دارد و وجود جنس مرد و زن را ضامن بقای نسل آدمی دانسته و شیطان را دشمن انسان معرفی می‌کند، نه دشمن مردان. ولی با این وجود، زن بودن زن و مرد بودن مرد را نادیده نگرفته است و اعلام می‌کند که مردان مسلط بر زنان و سرپرست ایشان‌اند و زنان مطیع و حافظان خانه در غیاب شوهر؛ چراکه خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است. در این میان، مردان به مهربانی و نیکویی با زنان نیز توصیه شده‌اند که این مضامین دلیل بر وجود عیب در خلقت زن نیست، بلکه در حقیقت ناظر به تفاوت استعدادی زن و مرد و از لطایف خلقت است. (ر.ک: نساء، ۱۹ و ۳۴)

بر مبنای این نگرش قرآنی، در ترسیم حقوق زن و برنامه‌ریزی برای مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماع، لحاظ نمودن دو عنصر محوری ضروری است: شناخت انسانیت مشترک بین زن و مرد و همچنین هویت صنفی زن که تشخیص صحیح آن در صلاحیت خداوند است؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ۳۳۶) چراکه در مرتبه قانون‌گذاری نیز از دیدگاه اسلام،

خداوند متصدی هدایت بشر و قانون‌گذاری معرفی شده و ساحت وحی را از علم بشری به دور می‌داند.^۱

عنصر اول برگرفته از دیدگاه قرآنی در مورد جنسیت انسان است. در فرهنگ قرآنی، جنسیت خارج از ذات و ماهیت انسانی است و لذا مرد بودن و زن بودن موجب تمایز نوع انسانی نیست، بلکه نظام تکوینی عالم (که بر استمرار حیات بشری پی‌ریزی شده)، مردانگی و زنانگی را موجب شده است. در آیات مربوط به سیر پیدایش انسان، به آفرینش یک اصل (روح) و یک فرع (بدن) اشاره شده است که آفرینش مذکر و مؤنث در سیر پیدایش بدن قرار دارد و روح در مرحله بعدی به بدن تعلق می‌گیرد.^۲ در آیات مربوط به نفس نیز تصریح می‌شود که همه مردم (زن و مرد) از «نفس واحده» آفریده شده‌اند و به همین دلیل، در انسانیت برابری و تفاوت‌ها، زن و مرد را در مقام ارزشی برتری قرار نمی‌دهند (طباطبائی ۱۳۷۰، ۴، ۲۱۷) بلکه همان‌گونه که آیات خلقت اشاره می‌کنند، زن و مرد مایه آرامش یکدیگر می‌باشند:

اوست آن کس که شمارا از نفس واحدی آفرید و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. (اعراف، ۱۸۹؛ همچنین بنگرید به: روم، ۲۱)

علامه طباطبائی رحمته‌الله این آرامش را طرفینی دانسته و به آن جنبه حسی و جنسی داده است:

هریک از زن و مرد نقصی دارد و به قرین خود نیازمند است و لذا زمانی که وصلت حاصل شد، آرام می‌گیرد؛ زیرا هر ناقصی به کمال خود مایل است و هر نیازمندی به چیزی که رفع نیاز کند، نیل دارد. این همان میل جنسی است که در این دو قرین قرار داده شده است... (طباطبائی ۱۳۷۰، ۱۶، ۱۶۵-۱۶۶ و نیز ر.ک: ۱۸، ۹۸)

به این ترتیب، بر اساس مفاهیم قرآنی زن همچون زمین حاصلخیزی است که از یک سو مرد را به آرامش جسمی و روحی می‌رساند و از سوی دیگر، در رشد و تکوین جسمی و روحی فرزند خود سهیم است. از این رو، در تفکر اسلامی، زن نیز به دلیل خلقت انسانی خود، یعنی بهره‌مندی از روح الهی و اختیار، به‌عنوان جانشین خدا بر روی زمین معرفی شده است که امانت بزرگ الهی را بر دوش دارد و می‌تواند از امکانات موجود در عالم در جهت رفع نیازها و اهداف خویش بهره‌جوید؛ چراکه خداوند متعال به سبب این ویژگی، انسان را از سایر مخلوقات ممتاز ساخته، سجده فرشتگان را بر او لازم شمرده و طبیعت و ماوراء طبیعت را به تسخیر او درآورده است. منزلت زن مسلمان نیز همانند مرد تا جایی است که خداوند

۱. «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»، طه، ۵۰.

۲. «آیا آدمی نطفه‌ای از آب ریخته شده نبود که سپس علقه شد. پس خداوند او را آفرید و استوا بخشید و از همان نطفه دو زوج مرد و زن را ایجاد کرد»، قیامت، ۳۷-۳۹.

۳. «و از نشانه‌های پروردگار این است که برای شما از جنس خودتان همسران را آفرید»، روم، ۲۱.

بر او نیز همانند مرد همواره بر صفت بشر بودن بر فرستادگانش تأکید می‌کند:

پس چون آن عنصر را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم، همه (از جهت حرمت و عظمت آن روح الهی) بر او سجده کنید.^۱

بنابراین از منظر قرآن کریم، زن عامل گناه و منشأ شر و بدی نیست و همچون مرد از گوهر انسانی برخوردار است؛ اما در تورات و انجیل، حوا عامل گناه اولیه آدم، مسئول خروج وی از بهشت و موجب گناهکاری ذاتی تمام انسان‌ها به جز عیسی (علیه السلام) و مریم (علیها السلام) است. برای نمونه، در رساله اول پولس رسول به تیموتائوس می‌خوانیم:

خدا اول آدم را آفرید بعد حوا را، آدم فریب نخورد؛ اما زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار آمد. (کتاب مقدس، رساله اول پولس رسول به تیموتائوس، ۱۴)

درحالی‌که با توجه به داستان هبوط آدم و حوا در قرآن کریم (سوره‌های بقره، اعراف و طه) و استفاده فراوان از ضمائر تثنیه در این آیات، درمی‌یابیم که آدم و حوا هر دو فریب شیطان را خوردند و با چشیدن میوه درخت ممنوعه، از مقام قرب پروردگار دور شدند:

و گفتیم ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت گیرید و از هرکجای آن خواهید فراوان بخورید؛ ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود. پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد... (بقره، ۳۵-۳۶)

از منظر قرآن کریم شیطان دشمن مشترک زن و مرد معرفی شده و بدین وسیله، تفکر رایج بشر را مبنی بر اینکه زن عامل گناه مرد و انحطاط نسل بشری است، صریحاً مردود اعلام می‌کند.

ج) تفاوت‌های تکوینی میان زن و مرد

تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان زن و مرد مخصوصاً قابلیت‌های تولیدمثلی، ضعیف بودن قدرت جنسی زن نسبت به مرد، تفاوت در نیازها و امیال جنسی و زیاد بودن میل جنسی و تحریک‌پذیری سریع‌تر مرد و بردباری بیشتر زن، غیرقابل‌انکار است و در منابع دینی نیز بدان تصریح شده است. (بستان ۱۳۹۲، ۶۸)

در روایات اسلامی به منشأ برخی از تفاوت‌های جنسی اشاره شده است؛ چنانکه برخی روایات منشأ ضعف جنس زن را طبیعی دانسته و به آفرینش او بازمی‌گردانند؛ (حر عاملی بی‌تا، ۱۵، ۱۰۴) و یا به منشأ زیست‌شناختی تفاوت در میل جنسی زن و مرد اشاره نموده و آن را به زمان آفرینش آدم و حوا بازمی‌گردانند. در روایتی بیان شده است:

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»، حجر، ۲۹؛ همچنین بنگرید به: بقره، ۳۰؛ مؤمنون، ۱۲-۱۴؛ احزاب، ۷۲؛ لقمان، ۲۰؛ ابراهیم، ۳۲-۳۴ و شوری، ۵۱.

خداوند آدم را از گل خلق کرد و سپس حوا را برایش ابداع نمود... آدم عرض کرد پروردگارا، این آفریده زیبا کیست که هم نشینی و دیدنش مرا انس بخشیده است؟ خداوند فرمود: «این کنیز من حواست؛ آیا دوست داری با تو باشد تا تو را مأنوس گرداند و با تو سخن گوید؟» عرض کرد: آری ای پروردگار من... و خداوند فرمود: «اکنون از من خواستگاری کن چون او کنیز من است و به عنوان همسری که شهوت تو را فرونشاند نیز سودمند است» و خداوند پیش تر شهوت را در وجود او نهاده بود... (همان، ۲، ۱۴)

از دیدگاه اسلامی و متون دینی، تفاوت های روانی و رفتاری میان زن و مرد نیز واقعی هستند. در آیات قرآنی به برخی از این تفاوت ها به صورت اجمال اشاره شده است: «مردان سرپرست زنان هستند، به دلیل آنکه خداوند برخی از ایشان را بر برخی برتری داده است.» (نساء، ۳۴) که این برتری خدادادی مردان به معنای برتری توان و قدرت جسمی و مدیریتی یا برتری قوای عقلانی است. (جوادی آملی ۱۳۹۰، ۳۲۶) یا در مورد غلبه داشتن عواطف و احساسات بر قوای عقلانی در زنان به این آیه استناد شده است: «و اگر دو مرد نبودند، یک مرد با دو زن را از شاهدانی که می پسندید به گواهی بگیرید؛ تا اگر یکی از آن دو زن، گرفتار لغزش شد، یکی از آن دو زن به دیگری یادآوری کند.» (بقره، ۲۸۲) این ضعف در شهادت دادن به دلیل ضعف در حافظه نبوده، بلکه به دلیل غلبه قوای احساسی و عاطفی در زنان است که از این جهت ممکن است احتمال خطا و اشتباه در ادای شهادت افزایش یابد. (مصباح یزدی ۱۳۹۱، ۵، ۲۵)

نتایجی که از تحلیل این متون می توان دریافت این است که تمایز قوای عقلانی در زن و مرد، منشأ تکوینی دارد، هرچند عوامل تربیتی و اجتماعی می تواند در تقویت یا تضعیف این صفات، مؤثر باشد؛ بنابراین نمی توان این تمایز را فقط معلول شرایط تاریخی و محیطی دانست؛ اما اینکه تمایزات تکوینی، ناشی از تفاوت در قوای عقل زن و مرد است و یا به دلیل غلبه احساسات و عواطف زنان بر کارکرد قوای عقلانی آنان پدید آمده، موضوعی است که نمی توان با قاطعیت نسبت به آن موضع گرفت. همچنین این تفاوت ها به گونه ای شگرف نیست که مسئولیت های حقوقی و اخلاقی یکی از دو جنس را برطرف نماید؛ به تعبیر دیگر، زن و مرد، دو موجود مکلف مختارند و این نشانگر وجود قوای عقلانی است و ضعف و قوت در تعقل یا عاطفه، امری نسبی و مقایسه ای است. درعین حال، این تفاوت به گونه ای ناچیز نیست که منشأ هیچ اثر اجتماعی نیز نباشد؛ بلکه در مواردی چون مدیریت خانواده و رهبری اجتماع، خود را بروز می دهد. علاوه بر این، تمایزات باید در ذیل گفتمان برابری انسانی و ادبیات مکمل بودن زن و مرد تفسیر شود و نباید آن را بهانه ای برای تحقیر یکی از دو جنس دانست. (زیبایی نژاد ۱۳۹۱، ۱۰۳)

در متون و روایات اسلامی نیز به برخی تمایزات روانی زن و مرد و فزونی برخی صفات در زنان نسبت به مردان به صراحت و بدون اجمال پرداخته شده است؛ از جمله خصوصیات چون «حیا»^۱، «صبر»^۲، «آرامش بخشی و سکون»^۳ و «غلبه تعقل در مردان و غلبه عاطفه در زنان». (حر عاملی بی تا، ۲، ۵۸۷؛ ۱۴، ۱۱؛ ۱۸، ۲۴۵). علاوه بر این خصوصیات با منشأ تکوینی که بر تمایز زنان از مردان دلالت دارند، صفاتی چون «غیرت جنسی» نیز هستند که در متون دینی تنها برای مردان ارزشمند دانسته شده و وجود آن برای زنان ناشی از حسادت و بدون زمینه‌های طبیعی عنوان شده است. (زیبایی نژاد ۱۳۹۱، ۱۰۷) به عنوان مثال، در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

خداوند غیرت را برای زنان قرار نداد و غیرت را فقط برای مردان قرار داد. (حر عاملی

بی تا ۲۰، ۱۵۴)

اما در خصوص اینکه این تفاوت‌های طبیعی جنسی جبری و اجتناب‌ناپذیر هستند یا قابل تغییرند باید گفت که هرچند در اسلام وجود تفاوت‌های طبیعی جنسی مفروض گرفته شده است، ولی متون دینی بر جبرگرایی دلالت ندارد؛ زیرا به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها، پیش‌زمینه‌هایی فطری محسوب می‌شود که تنها گرایش‌های متفاوتی را در مرد و زن ایجاد می‌کند و از این‌رو، دخالت عوامل خارجی می‌تواند باعث تغییر این گرایش‌ها شود. (بستان ۱۳۹۲، ۶۹)

د) هدفمندی تفاوت‌ها

با پذیرش تفاوت‌های یادشده این سؤال مطرح می‌شود که چرا این تفاوت‌ها در زن و مرد نهاده شده و آیا این تفاوت‌ها هدفمند هستند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که تمایز اصلی فرهنگ غرب با ادیان الهی در اصل غایت‌مندی نظام آفرینش است. این اصل در جهان‌بینی اسلامی، از یک‌سو بیانگر این مطلب است که انسان و جهان به‌سوی یک مقصد و مقصود از پیش تعیین‌شده در حرکت‌اند و حوادث هستی وقایعی بی‌معنا و نافرجام نیست. از سوی دیگر، واقعیت موجود جهان و انسان با آن غایت مطلوب، تناسب و هماهنگی کامل دارد. (ن.ک: دخان، ۳۸؛ ملک، ۳؛ طه، ۵۰). همگونی و ناهمگونی موجودات و تفاوت در ظرفیت‌ها و امکانات همگی در این نقشه حکیمانه جایگاه خاص خود را دارد. با توجه به این اصل

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حیا ده بخش است که نه بخش آن در زنان و یک بخش آن در مردان نهاده شده است.» (کلینی بی تا، ۵، ۳۳۸).

۲. امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: «خداوند تبارک و تعالی برای زن، صبر ده مرد را قرار داده است؛ پس آنگاه که باردار شود، نیروی ده مرد دیگر را بر او می‌افزاید.» (مجلسی بی تا، ۱۰۰، ۲۴۱)

۳. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اوست آن کسی که شما از یک‌نفس آفرید و همسرش را از نوع او پدید آورد تا بدان آرام گیرد.» اعراف، ۱۸۹ و نیز در روایات اسلامی نیز به این موضوع اشاره شده است از جمله در روایتی امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خداوند شب را مایه آرامش قرار داد و به‌راستی، زنان نیز مایه آرامش‌اند.» (حر عاملی بی تا، ۲۰، ۹۱)

می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت‌های تکوینی از جمله تفاوت‌های زن و مرد کاملاً طبیعی، هدفمند و حکیمانه است و ملاک ارزش‌گذاری افراد در میزان عبودیت و قبول ولایت و هدایت الهی خلاصه می‌شود. حال آنکه در تفکر غربی جهان آغاز و پایانی ندارد، همه چیز بدون غایت و بی‌معنا است و صرفاً غرایز و خواسته‌های انسانی وجود دارد که با تلاش و تدبیر بشری پاسخ داده می‌شود. آنان انسان را بریده از خالق و تنها در محدوده جهان مادی تفسیر می‌کنند، هدفمندی خلقت را انکار نموده و طبیعت را مسئول ظلم تاریخی به انسان (به‌ویژه زنان) می‌دانند و ارزش انسان را با استعدادها، آرزوها و جایگاه دنیوی و اجتماعی او می‌سنجند. (سبحانی و زیبایی نژاد ۱۳۷۹، ۴۱) اما عبودیت خداوند که هدف نهایی خلقت هر دو جنس است، منجر به واحد بودن مسیر حرکت برای آنان به‌سوی این هدف نمی‌شود. تفاوت در مسیر، سبب شده که خداوند تجهیزات ویژه‌ای برای هریک، متناسب با مسیر حرکتشان فراهم کند. توجه به کارکردهای ویژه زن و مرد در نظام آفرینش موجب شده است که خداوند زن و مرد را به استعدادهای متناسب با کارکردهایشان تجهیز نماید تا وظایف خود را با سهولت و رضایتمندی بیشتری پیگیری نمایند و همچنین بر انجام دادن کارکردهای خاص هریک، با آموزه‌های تشویقی و دستوری تأکید نموده است. علاوه بر این موضوعات، آموزه‌های اسلامی برخلاف دیدگاه‌های غربی و فمینیستی که زن و مرد را به‌صورت مستقل از همدیگر و یا حتی در تقابل و دشمنی با یکدیگر تصور می‌نمایند، زن و مرد را مکمل و آرامش‌بخش و تکمیل‌کننده کاستی‌های یکدیگر تعریف نموده که کارکردها و موقعیت‌های خاص هریک از دو جنس، موجب می‌شود هریک از آنان نقش‌های ویژه‌ای را در جامعه و خانواده ایفا نمایند که طرف مقابل از انجام آن ناتوان است. به این ترتیب، تعادل در خانه و اجتماع حاصل می‌شود. (زیبایی نژاد ۱۳۹۱، ۱۱۳-۱۲۰)

ه) تناسب نظام تکوین و تشریح

قوانین الهی در مفهوم عام خود، بر دو دسته است:

- قوانین تکوینی یعنی همان قوانین حاکم بر پدیده‌های هستی که نظم و هماهنگی را در نظام خلقت برقرار ساخته و موجودات را از نظر تکوینی به‌سوی غایت مطلوب می‌کشاند.
- قوانین تشریحی که برخاسته از آگاهی مطلق خداوند نسبت به واقعیت و سعادت انسان در دنیا و آخرت است و برنامه عملی حرکت آگاهانه و ارادی انسان از ظرفیت‌های موجود به‌سوی کمال الهی را نشان می‌دهد.

بر اساس نگرش اسلامی، حقوق افراد ریشه در واقعیت‌های تکوینی و ظرفیت‌های انسانی دارد و صرفاً یک قرارداد اعتباری و تابع اراده و میل گروهی خاص نیست. این اصل در مکتب حقوقی اسلام، «حقوق طبیعی-الهی» نامیده شده، به این معنا که نظام حقوقی

متناسب با شرایط تکوینی و در راستای کمالات انسانی است؛ اما شناخت کامل ظرفیت‌ها و مطلوبیت‌ها از محدوده معرفت بشری خارج است؛ زیرا از یک‌سو عقل تنها می‌تواند کلیات را بشناسد و در مورد جزئیات تنها خداوند می‌تواند این قوانین را تعیین و تنظیم کند و از سوی دیگر، به دلیل پیوند دنیا و آخرت و ارتباط درونی حوادث با یکدیگر، افعال بشری در دوجهان و در طول تاریخ تأثیر می‌گذارد که شناخت آن در حیطه دانش محدود بشر نیست. (مطهری ۱۳۹۲، ۱۴۳)

(و) برابری ارزشی و ارزش‌گذاری

در رویکرد اسلامی، از لحاظ ارزشمندی و بهره‌مندی از ارزش‌های انسانی و کمال نیز زن و مرد برابرند. در فرهنگ اسلام، زن و مرد در مسئولیت‌پذیری، ثواب و عقاب، شناخت و فهم اصول دین، نیروی اختیار، ادراک خوبی‌ها و بدی‌ها، ارزش‌های انسانی و رسیدن به سعادت با یکدیگر یکسان هستند؛ زیرا خاستگاه ارزش‌های انسانی، نفس آدمی است، نه جسم او. لذا زن و مرد هر دو، مخاطب آیات هدایت و سعادت قرار می‌گیرند.^۱ خداوند هم از جنبه تکوینی و هم از جنبه تشریحی، شرایطی پدید آورده است که زن و مرد هر کدام متناسب با ظرفیت و ویژگی‌های جسمانی و روانی خویش، به هدف غایی خلقت دست یابند که تنها در سایه تقوا، ایمان و عمل صالح محقق می‌شود:

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت و قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت، ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست، بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. (حجرات، ۱۳)

این رویکرد از این دیدگاه مبنایی نشئت می‌گیرد که از منظر قرآن جنس مرد و زن درحالی‌که هر دو انسان هستند، مشترک است و در اصل ویژگی‌های انسانی اشتراک دارند؛ اما دو صنف (صنف به اصطلاح علم منطق) متفاوت هستند و توجه کامل به اشتراک‌ها و اختلاف‌های این دو قشر، ما را در حل مسائل و فهم حقوق و تکالیف آن‌ها یاری خواهد کرد. (مصباح یزدی ۱۳۹۱، ۲۰۶)

علاوه بر اینکه در اندیشه اسلامی، ضمن تأکید بر ارزش‌های مشترک انسانی، بر وجود و تقویت ارزش‌هایی برای هریک تأکید بیشتری نموده است. به‌عنوان مثال، در روایات اسلامی بر ویژگی «عفت» و ارزشمندی بیشتر آن برای زنان علی‌رغم وجود اشتراک در هر دو جنس، تأکید شده است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید:

۱. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَائِضِينَ وَالْخَائِضَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِحِينَ وَالصَّالِحَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»، احزاب/۳۵؛ همچنین بنگرید به: نحل، ۹۷؛ مؤمن، ۴۰؛ نساء، ۱۲۴ و حدید، ۱۲.

شش چیز نیکوست؛ اما از شش گروه، نیکوتر است: عدالت از همه نیکوست و از امیران نیکوتر... و حیا از هر کس نیکوست و از زنان نیکوتر. (دیلمی ۱۳۷۶، ۱، ۱۹۳)

اشتراک ارزشمندی و ارزش گذاری میان زن مرد نتایجی نیز به همراه دارد؛ از جمله اینکه بین مرد و زن، هیچ تفاوت ناروا و ظالمانه‌ای نباید وجود داشته باشد و تفاوت‌های جنسی نباید ملاک ارزشمندی و ارزش گذاری قرار گیرد. قرآن کریم آداب و رسوم اعراب مشرک را که منجر به اعمال تبعیض و ستم بر جنس مؤنث می‌شد، به شدت تقبیح و رد می‌کند: کسانی که از روی بی‌خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته‌اند و آنچه را خدا روزی‌شان کرده بود - از راه افترا به خدا - حرام شمرده‌اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده و هدایت نیافته‌اند. (نحل، ۵۸-۵۹ و تکویر، ۸-۹)

همچنین زنان نیز همانند مردان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی استقلال دارند و تابع مردان نیستند. تا آنجا که تفاوت‌های جسمی و روانی و حکمت الهی چیزی را اقتضا نکند، آنان به‌طور یکسان در شئون اجتماعی و سیاسی، حق مشارکت دارند. قرآن می‌فرماید:

ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، بچه‌های حرامزاده‌ای را که زاده‌اند با بُهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. (ممتحنه، ۱۲ و نیز بنگرید به: ممتحنه، ۱۰)

این دیدگاه اسلام در مورد معیار و ملاک ارزش گذاری و اشتراک زن و مرد در این موضوع، تفاوت این دیدگاه متعالی را با مکاتب مادی غربی نشان می‌دهد. در مکاتب غربی، انسان تنها در ارتباط با منزلت اجتماعی، مسئولیت‌ها و امتیازات حقوقی ارزش گذاری می‌شود، اما نظام حقوق دینی که تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها و تعیین حقوق متقابل افراد را بر عهده دارد، تنها به دنبال تحقق غایت خلقت است. از سوی دیگر در اسلام، کمال انسان به تحقق استعدادهای فردی در جهت بندگی و قرب به خداوند است و راه و رسم رسیدن به این هدف را قوانین و حقوق اسلامی تعیین می‌کند؛ بنابراین، در فرهنگ اسلامی، حقوق و استعدادهای تکوینی به خودی خود ارزش ندارد؛ بلکه حرکت بر اساس نظام حقوقی و عمل بر طبق قوانین برای وصول به کمال مطلوب و یا به عبارت دیگر ایمان، تقوا و عمل صالح، ملاک ارزشمندی و هدایت یافتگی انسان است. (زیبایی نژاد و سبحانی ۱۳۹۱، ۴۷)

اما اشتراک زن و مرد در رسیدن به مقصود، موجب شباهت و یکسانی وظایف هر کدام نمی‌شود، بلکه هر دو به دلیل تفاوت در ویژگی‌های تکوینی و برآورده شدن نیازهای

مختلف اجتماعی، دارای وظایف و نقش‌های متفاوتی هستند. این اختلاف در وظایف و موقعیت‌های ظاهری، به معنای اختلاف مسیر هریک از آن‌ها در رسیدن به هدف مشترک است و ملاک ارزش‌گذاری شخصیت زن و مرد قرار نمی‌گیرد.

از این‌رو، بر مبنای رویکرد برابری ارزشی و انسانی زن و مرد، ضروری است که در برنامه‌ها و طرح‌های پیشرفت اقتصادی کشور نگاهی متمایز به هریک از زن و مرد داشته باشیم؛ به این معنا که تأکید بر برنامه متمایز زن و مرد، نه تنها به معنای درست دانستن نابرابری انسانی و ارزشی زن و مرد نیست، بلکه مسیری برای دستیابی هر دو جنس به جایگاه انسانی و ارزشی مناسب خویش است؛ بنابراین هر جا که تأکید بر تمایزات، به نادیده گرفته شدن یا تضعیف اصل برابری در جایگاه انسانی و ارزشی بیانجامد، آن را نادیده می‌گیریم. (زیبایی نژاد ۱۳۹۱، ۹۲)

ز) تفکیک نقش‌های جنسیتی

مفهوم نقش با مفهوم «پایگاه اجتماعی»^۱ رابطه دارد. «نقش»^۲ به وظایف و انتظاراتی گفته می‌شود که به هر فرد، متناسب با پایگاه اجتماعی او اسناد داده می‌شود. «پایگاه» نیز موقعیت و جایگاه هر فرد را در رابطه با کل جامعه نشان می‌دهد. پدری، مادری، همسری، پزشکی و استادی، نمونه‌هایی از موقعیت‌ها و منزلت‌های اجتماعی‌اند. (عضدانلو ۱۳۸۴، ۱۴۹) به عبارت دیگر، نقش شامل رفتارها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی است که یک فرهنگ برای یک گروه اجتماعی مناسب می‌داند؛ برای مثال، در موقعیت‌های اجتماعی مختلف، مانند مهندسی و پزشکی، مجموعه‌ای از انتظاراتها مثل شیوه لباس پوشیدن و رفتار با مراجعه‌کنندگان وجود دارد. در واقع، نقش‌ها بیان‌کننده نوع روابط میان دارندگان یک موقعیت با دارندگان موقعیت‌های دیگر است. با توجه به معنای جنس و جنسیت، معنای «نقش جنسی»^۳ عبارت است از الگوهای رفتاری دو جنس که مورد پذیرش اجتماع قرار گرفته و فرد، خود را با آن همانندسازی کرده است و یا آنچه فرد برای شناساندن خود به عنوان یک مرد یا زن می‌گوید و انجام می‌دهد و فرهنگی خاص، آن رفتارها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را برای مردان و زنان مناسب می‌داند و ایشان را به آن تشویق می‌کند. (همان، ۶۴۸) اصطلاح «نقش جنسیتی»^۴ نیز به این معناست که جامعه از هریک از مردان و زنان، با توجه به پایگاه اجتماعی‌شان، فعالیت‌ها و رفتارهایی ویژه را انتظار دارد. این انتظار یا

1. Social Status
2. Role
3. Sex Role
4. Gender Role

بر پایه تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد شکل گرفته و یا بر پایه فواید و نتایجی که از تقسیم کار جنسیتی به خانواده و اجتماع می‌رسد. (همان، ۱۴۷-۱۴۹ و ۶۴۶)

در متون دینی مواردی را می‌توان یافت که میان جایگاه و نقش و ویژگی تکوینی رابطه برقرار شده است؛ به عنوان مثال آیه ۳۴ سوره نساء نقش و جایگاه سرپرستی مرد را به فضیلتی تکوینی تعلیل می‌کند. همچنین امام علی علیه السلام در نامه خود به امام حسن علیه السلام سفارش می‌کند که از واگذاری مسئولیت‌های سنگین به زنان پرهیزد که این برای راحتی، آرامش خاطر و ماندگاری جمال آنان بهتر است. (کلینی بی تا، ۵، ۵۱۰) در ضمن روایات جهاد نیز سفارش می‌شود که هنگام غلبه بر دشمنان وارد خانه‌ها نشوند؛ زنان را نکشند و نیازارند، حتی اگر آبروی آنان را تهدید کنند یا به رهبران و خوبانشان توهین کنند؛ زیرا زنان ضعف‌هایی دارند که مراعات حال آنان را توجیه می‌کند. (همان، ۳۰ و ۳۹). این موارد و نمونه‌های مشابه، نشان آن است که در نظام جنسیتی اسلام، ویژگی‌های زنان یا مردانه می‌توانند توضیح‌دهنده برخی موقعیت‌ها و رفتارهای متفاوت زن و مرد باشند.

یک) انواع نقش‌های زنان از منظر اسلام

در متون اسلامی با توجه به جایگاه و نقش‌هایی که هر یک از زن و مرد عهده‌دار می‌شوند و نیز اهدافی که از خلقت هر یک مورد نظر است، نقش‌ها و وظایف مشترک و نیز اختصاصی در نظر گرفته شده و حقوق و وظایف متناسب با هر نقش نیز برای آن لحاظ شده است، نقش‌هایی که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان برنامه و الگویی کامل و جامع برای پیشرفت و توسعه کشور طراحی و اجرا نمود. علاوه بر اینکه این نقش‌ها با مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان در شرایط امروز جامعه دستخوش تأثیرات بسیار گردیده و تحولاتی را طی نموده است. نقش‌ها و وظایف مشترک و عام زن و مرد عبارت‌اند از: ایجاد آرامش و امنیت، تکریم و عزیز داشتن یکدیگر، اعتماد، ایثار، صبر، خویش‌داری، خوش‌بینی، رازداری، حفظ آبروی دیگری، امانت‌داری، گسترش پیوندهای ارتباطی و عاطفی (مودت و رحمت)، برخورداری از مهارت‌های کلامی، برقراری رابطه جسمانی، ایجاد آرامش

جنسی،^۱ انجام رفتارهای اخلاق محور،^۲ کمک به ارتقای معنوی یکدیگر،^۳ قناعت ورزی،^۴ تشریک مساعی در زندگی و معاشرت پسندیده. همچنین در اسلام به مهم ترین نقش های جنسیتی مختص زنان اشاره شده که عبارت اند از:

اول) همسری

در آیات و روایات اسلامی، مهم ترین موقعیت و نقش زنان، همسری است که اهمیتی معادل نقش های مردان در اجتماع و فضایل در نظر گرفته شده برای آن قائل شده است؛ چنانکه به رفتارهای مورد انتظار از او در ایفای نقش همسری، با عنوان «حُسْنُ التَّبَعْلِ» یعنی خوب شوهرداری کردن (مجلسی بی تا، ۷۷، ۱۶۶) اشاره شده است؛ از جمله تمکین خاص در امور جنسی و خودآرایی در برابر همسر و حفظ حریم جنسی همسر (حر عاملی بی تا، ۲۰، ۱۵۷)، تصرف نکردن در اموال شوهر بدون رضایت او (همان، ۲۰، ۱۵۷-۱۵۸)، خوش زبانی (مجلسی بی تا، ۷۳، ۳۳۴)، صبر بر بدخلقی های همسر (حر عاملی بی تا، ۲۰، ۱۵۷)، کاستن از هزینه های زندگی (همان، ۱۱۲)، حفظ دارایی ها و عدم انفاق از اموال همسر بدون رضایت وی،^۵ تعاون، همراهی و موافقت با شوهر در غیر محرمات (کلینی بی تا، ۵، ۲۵۸ و ۵۰۶؛ حر عاملی بی تا، ۲۰، ۲۱۰)، عدم خروج از منزل بدون هماهنگی با همسر (حر عاملی بی تا، ۲۰، ۱۵۸ و ۱۶۱ و ۲۱۱ و ۲۱۳)، حفظ اسرار او،^۶ تواضع، تربیت و تعالی شخصیت فرزندان (بنگرید به: نساء، ۷ و حر عاملی بی تا، ۲۰، ۱۵۷-۱۵۸ و ۲۱۰-۲۱۳). در روایات، زنان مهربان، نرم خو، خوش رو، شادی آفرین، عذرپذیر و یاور شوهران در مشکلات زندگی، همسرانی شایسته و از کارگزاران الهی معرفی شده اند. البته مردان نیز موظف اند احساسات و عواطف زن را جدی گرفته و با او رفتار و گفتاری محبت آمیز داشته باشند. این نوع نگاه

۱. در روایات اسلامی ذیل آیه ۱۸۷ سوره بقره: «هُنَّ لِيَاْسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاْسٍ لَهُنَّ»، مردان و زنان به حفظ عفت و تعهد به همسر در مورد ارضای نیاز جنسی او و پرهیز از روابط جنسی با دیگران، الزام شده اند. شناخت زن و مرد از نیازهای جنسی یکدیگر به منظور تحقق این هدف، ضروری است؛ زیرا موفقیت در ارضای نیاز جنسی و نشاط و سبکبالی ناشی از آن، موجب حفظ آرامش روحی و سلامت جسمی زوجین، پاک دامنی و عفت آن ها، کاهش بهانه گیری های بی دلیل، جلوگیری از بزرگ شدن مسائل حاشیه ای و احساس رضایت و بسندگی زوجین از یکدیگر می شود. در فقه اسلامی، از میان شیردهی و خانه داری، تنها تمکین از شوهر در امور جنسی بر زنان واجب است؛ گرچه فعالیت زن در امور خانه موجب نشاط خانه و خانواده شده و ثواب فراوانی دارد.

۲. عملکرد نیکوی اخلاقی بهترین نوع رفتار همسری است؛ از جمله: قدردانی، محبت، انجام امور خانواده و زناشویی بر اساس توافق و رضایت نه مرزبندی های حقوقی، معاضدت، خوش صحبتی و کوشش برای کسب رضایت دیگری. (ر.ک: حر عاملی بی تا، ۲، ۱۷۱؛ ۲۱، ۲۳، ۱۵۸ و ۵۴۲؛ ۱۹، ۲۴۱ و ۱۶۹، ۲۰)

۳. نوع رفتار همسران با یکدیگر، از نگرش معنوی آنان متأثر است؛ لذا تأکید بر نگرش و انگیزش الهی در همسرگزینی، موجب رفتارهای حمایت گرانه و رشد و بالندگی روحی زن و مرد پس از ازدواج می شود. (ر.ک: حر عاملی بی تا، ج ۱۴، ۴۱۰، ۱۶-۱۸، ۸۲-۸۳ و ۳۴۹)

۴. کارکردهای قناعت در روابط همسران عبارتند از: کاهش انتظارات و تفکیک انتظارات معقول و منطقی از خواسته های غیرضروری، پرهیز از مقایسه همسر با دیگران در جنبه های ظاهری و اقتصادی.

۵. با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء، امانت داری و مدیریت درست و بجای دارایی های همسر، از ویژگی های زنان صالح و شایسته بوده و پیشگیری از اسراف و هزینه سازی اضافی وظیفه آنان معرفی شده است.

۶. «... و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در برابر حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می کنند». نساء، ۳۴.

به نقش همسری که در خانواده‌های سنتی جامعه اسلامی و با پیروی از این توصیه‌ها شکل گرفته و همواره بر دوام آن تأکید شده است، با تحولات دنیای جدید دستخوش تغییر و کم‌ارزش شدن گردیده است؛ مسئله‌ای که اندیشه‌های فمینیستی نیز در ایجاد آن بی‌تأثیر نبوده و حتی وقوع آن را دنبال می‌کنند. (نک: کلاین ۱۳۸۷، ۸۵-۸۹)

دوم) مادری

در متون دینی، نقش مادری فراتر از ویژگی زیستی زنان در زایش، به معنای ارتباط خاص مادر با فرزند از زمان انعقاد نطفه تا تولد، دوران بزرگسالی و پس از آن است. این نقش شامل تمام عناصر عاطفی، بهداشتی، تغذیه‌ای، حمایتی و مراقبتی است که به‌طور طبیعی در نهاد زن تعبیه شده و لذا کمتر از پدر نیازمند توصیه‌های شرعی به ایفای نقش هستند. از این رو، در آموزه‌های دینی از یک‌سو زنان به ایفای نقش مادری و از سوی دیگر، فرزندان به رفتار محبت‌آمیز و ملاحظت با مادر (بیش از پدر) ترغیب و توصیه می‌شوند. (بنگرید به: بقره، ۲۳۳؛ حر عاملی بی‌تا، ۲۱، ۴۵۱-۴۵۴) همچنین در متون اسلامی با رویکرد توجه و اهمیت دادن بیشتر به نقش مادری از یک‌سو توصیه‌های تشویقی به مادران شده و آنان را برای ایفای هرچه بهتر نقش مادری به پاداش‌های اخروی و دنیوی نوید داده‌اند (حر عاملی بی‌تا، ۱۵، ۱۰۰، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۸، ۱۹۱) و نیز زن باردار مانند فرد روزه‌دار، شب‌زنده‌دار و مجاهد در راه خدا معرفی شده است که با وضع حمل، اجری درک ناشدنی دریافت می‌کند؛ در هربار شیردهی، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل نبی ﷺ را به دنبال می‌آورد؛ بیماری فرزندش کفاره گناهان او و تحمّل آزارهای کودکان موجب آمرزش مادر است؛^۱ از سوی دیگر، برای توجه بیشتر به این نقش، به پدران و فرزندان نیز توصیه‌های مهمی بیان شده است چنانکه پدر در همراهی با مادر باردار از برکت آمرزیده شدن گناهان بهره‌مند نیز می‌شود (حر عاملی بی‌تا، ۲۱، ۴۵۱) و به وجوب احترام به جایگاه مادران برای فرزندان توصیه‌های مؤکد و متعددی در قرآن. (بنگرید به: اسراء، ۲۳-۲۴) و متون روایی بیان شده است. در روایات، بی‌مهری کردن به والدین و مشمول عقوبت آنان شدن، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره، دارای کیفر دنیوی و اخروی، مانع اجابت دعا و سبب از میان رفتن نعمات می‌گردد. (حر عاملی بی‌تا، ۱۵، ۲۵۲، ۸، ۲۷۰؛ ۱۱، ۵۱۴ و ۵۴۱)

۱. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «آنگاه که زن حمل بردارد به منزله روزه‌داری است که برای خداوند به‌پاخواسته و با جان و مال در راه خداوند جهاد می‌کند؛ و آنگاه که وضع حمل کند، چنان پاداش عظیمی برایش مقرر می‌گردد که هیچ‌کس حسابش را نمی‌داند و آنگاه که فرزند را شیر دهد، به‌ازای هر مکیدن، از ثوابی برابر آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل ﷺ برخوردار می‌گردد؛ و آنگاه که از شیر دادن فارغ می‌شود فرشته‌ای بزرگوار بر پهلو وی می‌زند و می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن که آمرزیده شده‌ای». (رک: حر عاملی بی‌تا، ۱۵، ۱۷۵، ۱۹۸، ۲۱۱ و ۲۱۸)

سوم) خانه‌داری

خانه‌داری از فروعات نقش همسری و شامل فعالیت‌های خانگی، محافظت از اموال (شریف رضی بی‌تا، حکمت ۲۳۴) و فرزندان در غیبت مرد است. اسلام، انجام این فعالیت‌ها را بر زن واجب نساخته، اما حدیث و اگذاری امور خانه به حضرت فاطمه (علیها السلام) و کار بیرون از خانه به حضرت علی (علیه السلام) از سوی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) (حر عاملی بی‌تا، ۱۴، ۱۲۳)، حاکی از نگاه جنسیتی به این فعالیت‌هاست؛ نقشی که اگرچه برای زن واجب نیست و حتی می‌تواند برای انجام آن از مرد مطالبه حق نماید، اما به دلیل نتایج و پیامدهای بسیاری که در خانواده و تحکیم روابط میان زوجین و تقویت رابطه عاطفی با فرزندان و وابستگی اعضای خانواده به خانه، حفظ سلامت، افزایش نشاط و احساس امنیت اعضای خانواده به‌ویژه شوهر دارد، توصیه‌های بسیاری در روایات اسلامی به انجام آن شده و ثواب زیادی برای خانه‌داری زنان در نظر گرفته شده است که هم از کوچک شمردن نقش خانه‌داری جلوگیری می‌کند و هم مشارکت مردان در امور خانه را ستوده و وعده پاداش می‌دهد. در روایت مورد اشاره از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که: «علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درخواست کردند تا کارها را بینشان تقسیم کند. پیامبر نیز فعالیت‌های خانگی را به فاطمه (علیها السلام) و فعالیت‌های بیرونی را به علی (علیه السلام) سپرد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: هیچ کس جز خدا نمی‌داند چقدر از این خوشحال شدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مرا از مراوده با مردان معاف کرد.» (همان، ۲۰، ۱۷۲). امام صادق (علیه السلام) هم چنین فرمود: «هر زنی که با جرعه‌ای آب شوهر خویش را سیراب کند، عملش ارزشمندتر از عبادت یک سال است که روزها را روزه بدارد و شب‌ها را به پای دارد و خداوند در ازای هر جرعه‌ای که به همسرش داده است برایش شهری در بهشت برپا می‌کند و لغزش‌های شصت سال وی را نادیده می‌گیرد.» (همان). در روایت دیگری آمده است: «هر زنی که به مدت یک هفته خدمتی را برای همسرش انجام دهد، خداوند هفت باب جهنم را بر وی می‌بندد و هشت باب بهشت را بر او می‌گشاید که از هر کدام خواست به بهشت درآید.» (همان).

جمع بندی و نتیجه گیری

توسعه هر کشور به مشارکت همه عوامل آن به‌ویژه ظرفیت‌های انسانی بستگی دارد. از این منظر، در ادبیات توسعه با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت کشورها را تشکیل می‌دهند، تأکید می‌شود که توسعه متعادل و پایدار بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، توسعه باید امکانات لازم را برای تمامی اقشار جامعه و از جمله زنان فراهم کند، در غیر این صورت، فراهم نبودن بستر مناسب برای مشارکت زنان، موجب محروم ماندن کشور از توسعه

خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که دستیابی به توسعه انسانی و توسعه جنسیتی در هر جامعه‌ای، لازم و ملزوم یکدیگرند، به گونه‌ای که بدون جبران عقب‌ماندگی‌های تحمیل‌شده بر زنان در جامعه، نمی‌توان به توسعه به معنای واقعی آن دست یافت.

با نگاهی به نظریه‌های مختلف توسعه درمی‌یابیم که این مفهوم ریشه در تفکر مدرنیته و دستاوردها و تعالیم آن همچون نظام اقتصاد سرمایه‌داری داشته و ادامه آرمان‌های روشنگری در خصوص انسان و پیشرفت او است. از این رو، اجرای برنامه‌های توسعه و تغییر و تحولات پس از آن، عصر نوین اقتصادی را با ارزش‌های پیدا و پنهان سیاسی و اجتماعی خاص آن یعنی سکولاریسم، ناسیونالیسم و برابری طلبی را به وجود آورده است. به همین دلیل، برنامه‌ها و الگوهای توسعه انسانی نیز متأثر از این مبانی همچون سکولاریسم و انسان‌محوری است که هدف و معیار جامعه توسعه‌یافته را تنها رفع فقر و نابرابری و رفاه مادی انسان معرفی می‌نمایند، برنامه‌هایی که با رویکرد جهان‌شمول بودن، برای همه انسان‌ها و فرهنگ‌ها و جوامع تدارک دیده می‌شوند؛ اما الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت راهبردی کلان در جهت تحقق تمدن، فرهنگ و سبک زندگی اسلامی به شمار می‌آید. در طراحی این الگو ضروری است تا نقش زنان در عرصه‌های گوناگون توسعه با توجه به مبانی دینی و فرهنگی و در حقیقت دو قید اسلامی و ایرانی مدنظر الگو، تبیین شود.

این مبانی و اصول بر اساس آیات قرآن و متون معتبر تفسیری عبارت‌اند از: نگرش سیستمی به دین، برابری انسانی زن و مرد، توجه به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، هدفمندی تفاوت‌های زن و مرد، تناسب نظام تکوین و تشریح، برابری ارزشی و ارزش‌گذاری زن و مرد در رویکرد دینی و به رسمیت شناختن نقشه‌ای خاص جنسیتی. بر اساس این اصول و مبانی، زن از جایگاهی والا در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی و نقشی مؤثر در فرایند پیشرفت و توسعه با رویکرد اسلامی برخوردار است. جنسیت زن برخلاف نگاه انسان‌مدارانه و سکولار غربی، مانعی برای پیشرفت وی و جامعه تلقی نمی‌شود، بلکه به‌مثابه عاملی در جهت ارتقای فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه محسوب می‌گردد. اساساً از منظر اسلام جنسیت زن مسئله نیست تا در پی حل آن، نظریه‌پردازی یا استفاده از نظریه‌های سکولار، فمینیستی و انسان‌مدارانه ضرورت یابد؛ بلکه فرصت و ظرفیتی بی‌بدیل است که شناسایی و استفاده از این ظرفیت می‌تواند جامعه و نظام اسلامی را در مسیر پیشرفت قرار داده و آن را ارتقا بخشد. از این منظر، زن با ایفای نقش‌های عمومی و مشترک خود در عرصه‌های خصوصی و اجتماعی و نیز ایفای نقش‌های ویژه خود همچون همسری، مادری و خانه‌داری هم به‌مثابه عاملی مؤثر برای پیشرفت، توسعه و تعالی خود و جامعه به شمار می‌آید و هم می‌تواند زمینه‌ساز تحقق و بالندگی پیشرفت و توسعه در عرصه‌های مختلف سبک زندگی و حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس.
۳. بستان، حسین. ۱۳۹۲. جنسیت در آموزش و پرورش از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی. مجله اسلام و علوم اجتماعی ۱۰.
۴. بستان، حسین. ۱۳۹۴. جامعه‌شناسی جنسیت با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه/هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران).
۵. بهرامی تاش، رکسانا. چالش با اقتصاد نو لیبرالیسم (جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی). ترجمه غلامحسین فرهاد نوری. ۱۳۸۹. تهران: سمت.
۶. پیت، ریچارد، و الین هارت ویک. نظریه‌های توسعه. ترجمه مصطفی ازکیا و دیگران. ۱۳۸۹. تهران: نشر لویه.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. زن در آیینه جلال و جمال. قم: اسراء.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. بی تا. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بی جا.
۹. خانی، فضیله. ۱۳۸۵. جنسیت و توسعه. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. دیلمی، حسن بن علی. ارشاد القلوب، مصحح ابوالحسن شعرانی. ترجمه علی سلگی نهاوندی. ۱۳۷۶. قم: نشر ناصر.
۱۱. زیبایی نژاد، محمدرضا، و محمدتقی سبحانی. ۱۳۹۱. درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: هاجر.
۱۲. زیبایی نژاد، محمدرضا. ۱۳۹۱. جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۳. سبحانی، محمدتقی. ۱۳۸۲. الگوی جامع شخصیت زن مسلمان. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران.
۱۴. شریف رضی، محمد بن حسین. بی تا. نهج البلاغه. بی جا.
۱۵. طباطبائی، سید محمدحسین. ۱۳۷۰. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی.
۱۶. عضدانلو، حمید. ۱۳۸۴. آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۱۷. کلاین، آلن. آر. عریان کردن فمینیسم. ترجمه و تلخیص طاهره توکلی. ۱۳۸۷. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها. معارف.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. بی تا. الفروع من الکافی. بی جا.
۱۹. کولایی، الهه، و محمدحسین حافظیان. ۱۳۸۵. نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. مجلسی، محمدباقر. بی تا. بحار الانوار. بی جا.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها. چاپ هشتم. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس.

۲۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۹۲. نظام حقوق زن در اسلام؛ مجموعه آثار. چاپ ۱۲. تهران: صدرا.
۲۳. هانت، ژانت. جنسیت و توسعه، ترجمه مهدی نیاکانی فر. ۱۳۸۸. مجله پژوهشنامه ۴۲: ۲۲۹-
۲۷۴.

24. De Benoist, Alain. 2008. "A Brief History of the Idea of Progress". The Occidental Quarterly. Atlanta: Ultra.

